

احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز

مریم سروش، استادیار پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس*

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه میان احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتارهای دیگرخواهانه در میان نوجوانان ۱۹-۱۵ ساله ساکن شیراز پرداخته است. نمونه تحقیق شامل ۳۹۱ نفر از نوجوانان بوده که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. سنجش‌های تحقیق پس از بررسی اعتبار صوری بر اساس آلفای کرونباخ ارزیابی پایایی شدند. مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی به ترتیب با آلفای ۰/۷۱ و ۰/۷۲ و اعتماد اجتماعی با سه بعد صراحت و صداقت، قابل اعتماد بودن و رفتارهای مبتنی بر اعتماد، به ترتیب با آلفای ۰/۷۲، ۰/۶ و ۰/۶ اندازه‌گیری شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیش از نیمی از نوجوانان حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده‌اند. اکثر آنها در حد متوسطی رفتارهای دیگرخواهانه انجام می‌دهند، اما ۱۲/۷ درصد رفتارهای نوع‌دوستانه کمی انجام می‌دهند. نتایج استنباطی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری فردی با اعتماد اجتماعی ($r=0/332$)، اعتماد به گروه‌ها ($r=0/266$) و دیگرخواهی ($r=0/204$) رابطه مثبت و معناداری دارد اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی با اعتماد رابطه منفی معنادار ($r=-0/304$) داشته، با دیگرخواهی رابطه معناداری ندارد. متغیر اعتماد اجتماعی نیز با دیگرخواهی رابطه معناداری دارد ($r=0/244$). نتایج تحقیق در کل نشان می‌دهد که اولاً این سه متغیر با هم رابطه داشته و یکدیگر را تقویت می‌کنند. بنابراین، باید به ارتقای اعتماد عمومی در جامعه اهمیت داده شود تا رفتارهای دیگرخواهانه که ضامن ایجاد جامعه‌ای عادلانه است، افزایش یابد و ثانیاً رواج صداقت و صراحت در روابط اجتماعی می‌تواند علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی بر میزان مسئولیت‌پذیری و رفتارهای مبتنی بر اعتماد کمک کند. بنابراین، باید در جهت تقویت این گونه ارزش‌ها کوشید.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اعتماد اجتماعی، دیگرخواهی، نوجوانان

مقدمه و بیان مساله

ایران کشوری است با تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی گوناگون و خرده فرهنگ‌های فراوانی که همه تحت پوشش یک فرهنگ کلی ایرانی در کنار هم زندگی می‌کنند. صرف تنوع در بسیاری از موارد، از منابع غنای فرهنگی و قوت آن بوده، می‌تواند منشا آثار فراوانی باشد، اما اگر به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دقت نکنیم، حساسیت‌های آن را نشناسیم و از فرصت موجود استفاده خردمندانه و بهینه نکنیم، این فرصت‌ها تبدیل به تهدید شده، امنیت و انسجام اجتماعی را دچار چالش می‌کند. نابرابری‌های اجتماعی وقتی با تعصبات و قومیت‌گرایی همراه شود، ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی است. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، مفهومی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آنها باشد. در واقع، یکی از معانی مسئولیت‌پذیری «هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورده کردن انتظاراتی است که جامعه از فرد دارد. پس نوعی احساس التزام به عمل در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید نسبت به سایرین خواهد بود» (سبحانی نژاد و فردانش، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

بنابراین، مسئولیت‌پذیری در بعد شخصی زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد که یکی از مهمترین آنها دیگرخواهی در روابط اجتماعی است. دیگرخواهی مفهومی است که دارای بار اخلاقی و مذهبی نیز بوده، از فضایل اخلاقی محسوب می‌شود. مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی نه تنها دارای آثار خاص پیش گفته هستند، بلکه از آثار اجتماعی آنها در شرایط جامعه مدرن نیز نمی‌توان غافل بود. در جامعه‌ای که اکثر

روابط، غیرشخصی و تعمیم یافته، بر اساس نقش و نه هویت فردی و خانوادگی افراد برقرار می‌شود، جریان تعامل اجتماعی در شبکه بزرگ نظام اجتماعی به صورت نوعی مبادله تعمیم یافته، صورت می‌گیرد، وجود اعتماد متقابل به هنجارهای عام عمل و کلیت نظام اجتماعی مقوم کارکرد صحیح جامعه است. دیگرخواهی به روان شدن روند تعاملات در نهادهای اجتماعی کمک کرده، باعث می‌شود نهادهای جامعه به خوبی کارکرد خاص خود را انجام داده، نیازهای اصلی جامعه به خوبی پاسخ داده شوند. حتی در جوامعی مانند جامعه ایران که از نظر فرهنگی تنوع قومیتی و فرهنگی زیادی هم وجود ندارد. مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی اهمیت ویژه‌ای دارد. این اهمیت در شرایط جامعه چند فرهنگی موجود ایران اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. بنابراین، مطالعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و متغیرهای مرتبط با آن با توجه به پتانسیلی که در حل مشکلات و مسائل اجتماعی دارد، می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار بوده، در ارائه برنامه‌های عملی برای کاهش این مسائل راهگشا باشد.

پی‌بردن به نقش تربیت فرزندان و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برنامه‌ریزی درست برای کمک به جریان رشد طبیعی، شناسایی و پرورش صحیح استعدادهای نهفته و زمینه‌سازی برای امر تعلیم و تربیت مطلوب آنها و در نهایت ارتقای سطح سلامت روانی افراد یک خانواده در درجه نخست و خانواده بزرگتر؛ یعنی جامعه، در مرحله بعدی، از وظایف و ملزومات اصلی حوزه علوم انسانی، بخصوص تعلیم و تربیت است و به نظر می‌رسد، انجام چنین تحقیقی بتواند، خلأهای موجود ناشی از عدم پیشینه غنی و قابل استناد در این زمینه را پر نماید. لذا مقاله حاضر در پی پاسخ دادن به این سؤال‌هاست:

اعمال خود بیشتر توجه کرده، آنها را جدی تر می‌گیرند و برای حل آنها بیشتر می‌کوشند (منزیس^۳ و همکاران، ۲۰۰۰). مشکلات رفتاری نوجوانان در مدرسه را می‌توان با برنامه‌های خاص افزایش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کاهش داد (مارتینک^۴ و دیگران، ۲۰۰۱؛ لاساتر^۵ و دیگران، ۲۰۰۳؛ اسکارتی^۶، ۲۰۱۰) و روابط آنها را با همسالان و والدین و معلمان‌شان بهبود بخشید (مرگلر و دیگران، ۲۰۰۸) و احساس کارایی، هوش هیجانی و عزت نفس آنها را افزایش داد (مرگلر و دیگران، ۲۰۰۷) علاوه، می‌توان از آن به‌عنوان مشوقی برای مشارکت نیز استفاده کرد. این مفهوم و سازه مهم باید از نوجوانی و حتی از دوران پیش دبستانی در برنامه آموزش‌های نظری و مهارتی قرار گیرد تا در سنین بالاتر بتواند آثار خود را نشان دهد، اما متأسفانه در کشور ما اهمیت زیادی در برنامه آموزشی مدارس به آن داده نشده و بخصوص با مسئولیت‌پذیری در بعد عملکردی بسیار بی‌مهری شده است (سبحانی نژاد و فردانش، ۱۳۷۹).

مسئولیت‌پذیری در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش مسئولیت‌پذیری فردی^۷ و مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۸ تقسیم می‌شود. مسئولیت‌پذیری فردی به معنای این است که فرد «خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسؤول بداند» (مرگلر و دیگران، ۲۰۰۷). دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، زیرا در این زمان است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و

۱- میزان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی نوجوانان شیراز چقدر است؟ ۲- رابطه مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی چگونه است و بالاخره ۳- میزان دیگرخواهی نوجوانان چقدر است و رابطه‌ای با مسئولیت‌پذیری آنها دارد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری یکی از مفاهیم مهم در حوزه روان‌شناسی اجتماعی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. مسائل زیست-محیطی که به تازگی مورد توجه جدی جهانی قرار گرفته است، تنها با اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی حل نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر وسیع در سبک زندگی مردم است. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد، بسیاری از مسائل اجتماعی، از قبیل بزهکاری‌ها، جرایم و مشکلات رفتاری در جامعه با سطح نازل احساس مسئولیت فردی و اجتماعی رابطه دارد (لیونز^۱، ۲۰۰۵). در جامعه امروز روش‌های زیادی برای سرباز زدن از مسئولیت و سرزنش دیگران برای موقعیت موجود وجود آمده است. این مسأله که نوجوانان امروز مسئولیت‌پذیر نیستند، انتقادی پرسابقه است که از سوی نسل گذشته به نسل موجود و آینده وارد می‌شود. گرچه اکثر نوجوانان به صورت موفقیت‌آمیزی وارد بزرگسالی شده، مسئولیت‌های اجتماعی خود را به عهده می‌گیرند و در واقع مسئولیت‌پذیری پدیده‌ای رشدی است که در جوانی ارتقا می‌یابد (مرگلر و همکاران^۲، ۲۰۰۷)، اما این واقعیت باعث نشده که این عقیده کم‌رنگ شود که نوجوانان مسئولیت‌پذیر نیستند.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که افراد هرچه بیشتر خود را مسؤول بدانند، به مسائل و پیامدهای

³ Menzies et al.

⁴ Martinek et al.

⁵ asater et al.

⁶ Escarti et al.

⁷ personal responsibility

⁸ social responsibility

¹ Lyons

² Mergler et al.

همراه با اراده برای در نظر گرفتن خود به‌عنوان مسؤول انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند و پیامدهای فردی و اجتماعی آنها» (مرگلر و همکاران، b۲۰۰۷ (۷):

لیونز (۲۰۰۵) آثار آموزش مسؤولیت‌پذیری را بر کاهش تعصبات نژادی و قومی، باورهای قالبی مخرب و روابط بین و داخل گروهی بررسی کرده است. در این تحقیق نوجوانانی که در دوره آموزشی مسؤولیت‌پذیری شرکت کرده بودند، با نوجوانانی که در این برنامه شرکت نداشتند، در آگاهی از تبعیض، رقابت اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و همکاری گروهی مقایسه شدند. نتایج این تحقیق علاوه بر تایید تفاوت بین این دو گروه از نظر متغیرهای ذکر شده، در مورد مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، نشان داده است که حداقل تا ۱۰ ماه پس از آموزش، احساس مسؤولیت اجتماعی نوجوانان جهش زیادی یافته است، اما ننگه‌داشتن این احساس و تبدیل آن به رفتار پایدار نیاز به حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی بیشتری دارد.

نظر به اهمیت یادگیری این مفاهیم و درونی کردن احساس مسؤولیت فردی و اجتماعی در نوجوانان، برنامه‌های درسی و عملی زیادی برای کمک به آنها در این رابطه طراحی شده است. در ابتدای قرن حاضر، شواهد زیادی به‌دست آمده است که نشان می‌دهد فعالیت‌های فیزیکی همراه با برنامه‌های نظارتی، می‌تواند به بهبود و قابلیت انطباق کسانی که در شرایط نامطلوب زندگی کرده در معرض خطرات اجتماعی هستند، کمک کند. به این صورت که فعالیت بدنی فرصت‌های زیادی برای نوجوانان فراهم می‌کند که با دیگران تعامل کنند و در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی درگیر شوند. بر این اساس، دان هلیسون^۲ مدلی برای

روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسؤولیت‌پذیری آنهاست. تنها با آگاهی از دلایل انتخاب انجام شده و اراده برای پذیرش مسؤولیت این انتخاب است که مردم می‌توانند به‌دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها و نتایج حاصل از آنها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی‌معنا بوده، احساس بی‌قدرتی و انفعال فرد را از انجام اصلاح در زندگی خود باز خواهد داشت.

برخی از محققان احساس مسؤولیت‌پذیری را برای به‌دست آوردن هرگونه پیشرفت و موفقیت فردی در نوجوانان لازم دیده‌اند. مثلاً زیمرمن و کیتسانتاس^۱ (۲۰۰۵) در تحقیق خود مسؤولیت‌پذیری را واسطه عمل متغیرهای مهمی، مانند کیفیت انجام تکالیف و احساس خودکارآمدی برای موفقیت تحصیلی فرض کرده‌اند و نتایج تحقیق نیز با قوت زیاد این فرض را تایید کرده است. نتایج نشان داده است دانش‌آموزانی موفق‌ترند که نه تنها اهمیت بیشتری به تکالیفشان می‌دهند، بلکه خود را بیشتر از معلمان و سیستم آموزشی مسؤول عملکرد تحصیلی خود می‌دانند.

از نظر مرگلر و همکارانش (b۲۰۰۷) گرچه مفهوم مسؤولیت‌پذیری فردی بر فرد تمرکز دارد، اما در یک بستر اجتماعی اتفاق می‌افتد. فردی که مسؤولیت‌پذیری دارد، احتمالاً در نظر خواهد گرفت که چطور انتخاب‌ها و تصمیماتش بر دیگران در جامعه تأثیر می‌گذارند. بنابراین، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی از نظر این محققان بعدی از مسؤولیت‌پذیری فردی محسوب می‌شود که در دیگر مفاهیم مشابه روانشناختی دیده نمی‌شود. در نهایت، آنها مسؤولیت‌پذیری را بدین صورت تعریف کرده‌اند: « توانایی نظم دادن به تفکرات، احساسات و رفتار،

² Don Hellison

¹ Zimmerman and Kitsantas

مسئولیت پذیری اجتماعی و فردی نوجوانان است. این امر به صورت عکس نیز درست است؛ چنانکه تحقیق لی و همکارانش^۱ (۲۰۰۸) نشان داده است کسانی که مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی بیشتری دارند، از فعالیت‌های ورزشی خود نیز لذت بیشتری می‌برند.

یکی از ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توجه به پیامدهای اعمال و انتخاب‌های فرد برای دیگران و اهمیت دادن به احساس و وضعیت دیگران است. با این اوصاف، مشخص است افرادی که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتری دارند، احتمالاً احساس دیگرخواهی بیشتری نیز خواهند داشت. دیگرخواهی پدیده اجتماعی است که برای کمال جامعه لازم بوده، نشان دهنده رشد بالای اخلاقی افراد جامعه است.

دیگر خواهی

دیگر خواهی یکی از پدیده‌هایی است که برای بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی و زیست‌شناسی به صورتی معماوار مطرح است. وجود نوعی رفتار نوع‌دوستانه که در آن یک فرد انسانی با هزینه خود به فرد دیگری سود می‌رساند، برای اندیشمندان جالب بوده است. تعاریف زیادی از دیدگاه‌های مختلف از این پدیده شده است. تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی در طول دهه ۸۰ تأکید بر تعیین‌کننده‌های موقعیتی کمک به دیگران را کاهش داده است و اساساً بر مواردی، از قبیل وجود و ماهیت شخصیت دیگرخواهانه، مباحثی درباره ماهیت انگیزش‌هایی که پایه‌های رفتار دیگرخواهانه است و ماهیت فرایندهایی که به رشد دیگرخواهی در کودکان و بزرگسالان منجر می‌شود، تمرکز یافته و علاوه بر آن کارهای نظری و

ارتقای مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی نوجوانان ارائه کرد. این برنامه با این هدف طراحی شده که نوجوانان را قادر به اعمال کنترل بیشتر بر زندگی خود کند تا بدون توجه به نیروهای خارجی که چشم‌انداز و انتخاب‌های آینده‌شان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، برای خودشکوفایی اقدام کنند. این مدل متضمن پنج سطح مسئولیت‌پذیری پایه است که عبارتند از: ۱- کنترل خود و احترام به دیگران؛ ۲- کوشش و مشارکت؛ ۳- خود راهبری؛ ۴- کمک‌کردن به دیگران و ۵- به کار بردن سطوح چهارگانه ذکر شده خارج از زمین ورزش یا مدرسه (مارتینک و دیگران، ۲۰۰۱: ۳۱).

این مدل در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی اجرا شده و ارزیابی‌هایی از آن صورت گرفته است در یکی از جدیدترین ارزیابی‌های این برنامه اسکارتی و همکارانش (۲۰۱۰) اجرای این برنامه در اسپانیا را ارزیابی کرده‌اند. آنها روی ۳۰ دانش‌آموز در معرض اخراج از مدرسه کار کرده و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی دریافته‌اند، اجرای برنامه ارتقای مسئولیت‌پذیری بر اساس ورزش، در نهایت احساس خودکارآمدی را افزایش داده و به صورت عملی نرخ فعالیت‌های مسئولانه را کاملاً بالا برده است. آنها در نهایت نتیجه گرفته‌اند مدل هلیسون، مدل مناسبی برای کمک به رشد و سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان در معرض خطر و مشکل‌دار بوده، ورزش محمل مناسبی برای ارائه چنین آموزش‌هایی است. مرگلر و همکارانش (۲۰۰۸) نیز با استفاده از روش گروه مرکز با دانش‌آموزان و معلمان دبیرستانی در کوئینزلند استرالیا دریافته‌اند که هم دانش‌آموزان و هم معلمان این برنامه را بسیار جالب یافته‌اند و مشارکت در آن را ضامن رشد و عملکرد مناسب روانی و اجتماعی می‌دانند. این محققان نتیجه گرفته‌اند که دبیرستان فرصت و بستر مناسبی برای نهادینه کردن

¹ Li et al.

تجربی درخور توجهی نیز بر پایه‌های احتمالی زیست شناختی برای دیگرخواهی و فرایندهای تکاملی انجام شده است (پیلیوین و چارنگ^۱، ۱۹۹۰: ۲۸).

تعاریف جامعه‌شناسان، زیست‌شناسان اجتماعی، اقتصاددانان و روان‌شناسان اجتماعی از دیگرخواهی متفاوت است. جامعه‌شناسانی مانند ویلسن^۲ دیگرخواهی را رفتاری خود ویرانگر^۳ می‌دانند که برای سود دیگران انجام می‌شود، اما زیست‌جامعه‌شناسان، رفتاری را دیگرخواهانه می‌دانند که به کنشگر کمتر از آنچه دریافت می‌کند، سود برساند. اقتصاددانان وقتی کنشگری بتواند برای سود خود کاری انجام دهد، اما انتخابی انجام می‌دهد که سود آن به دیگران برسد، آن رفتار را دیگرخواهانه می‌نامند. همه این تعاریف بر هزینه‌های عمل دیگرخواهانه تاکید دارند، نه بر انگیزه‌های آنها. اما روان‌شناسان اجتماعی علاوه بر هزینه یا سود عمل بیشتر بر مقاصد عمل تاکید می‌کنند. بارتال^۴ چند ویژگی برای عمل خیرخواهانه برشمرده است: اول اینکه این عمل باید به دیگری سود برساند؛ دوم اینکه باید داوطلبانه باشد؛ سوم اینکه باید با قصد و نیت انجام شود؛ چهارم اینکه باید سود رساندن به دیگری هدف اصلی آن باشد و بالاخره باید بدون انتظار پاداش انجام شود (همان: ۳۰-۲۹).

بررسی تحقیقات مختلف در این باب نشان می‌دهد اولاً، دیگرخواهی یا حداقل اراده برای در نظر گرفتن دیگران در محاسبات شخصی، برای نوع بشر طبیعی است (پیلیوین و چارنگ، ۱۹۹۰: ۵۸)؛ ثانیاً، دیگرخواهی با هر ریشه و علتی در بهروزی اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش غیرقابل انکاری دارد و برای ایجاد جامعه‌ای سالم و آرام حیاتی است. سشی^۵

(۲۰۰۷) نشان داده که برای ساختن یک جامعه سر به راه و آرام باید دیگرخواهی، پایه تعامل اجتماعی باشد؛ گرچه افراد خودخواه حذف نمی‌شوند. کارتر و کاستیلو^۶ (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که دیگرخواهی مانند اعتماد و هنجار عمل متقابل، جزئی از سرمایه اجتماعی بوده، بر بهروزی اقتصادی تاثیر انکارناپذیری دارد. بعلاوه، هر جا که اعتماد قویتر است هنجار عمل متقابل و دیگرخواهی نیز قویترند. تحلیل استاندارد زندگی خانوارها نشان می‌دهد که این متغیرها حداقل در زندگی شهری، دارای اثر مثبت و معناداری بر بهروزی اقتصادی است. تحقیقات دیگری نیز این امر را تصدیق کرده‌اند (برای مثال، لاسیترا و ماسیس، ۲۰۰۸). در ایران موضوع دگرخواهی با همه اهمیتی که داشته، مورد نظر محققان قرار نگرفته است. تنها دو مورد مقاله در این زمینه مشاهده شده که اولی تحقیق کلاتری و همکارانش (۱۳۸۶) در مورد نوع دوستی در جامعه شهری ایران بوده که در آن با انجام یک تحقیق آزمایشی نوع دوستی و برخی متغیرهای مرتبط با آن بررسی شده است. آنها فرضیه همدلی - دیگرخواهی، مسؤلیت پذیری و انتخاب عقلانی را در بروز رفتار دیگرخواهانه بررسی و نتیجه تحقیق هر سه فرضیه را تأیید کرده‌اند، اما تفاوت جنسیتی در رفتار نوع دوستانه را تأیید نکرده است. دومین تحقیق توسط احمدی (۱۳۸۸) برای تعیین تفاوت جنسیتی در رفتارهای نوع دوستانه بوده است. احمدی اظهار کرده است که فرض عمومی و پذیرفته شده این است که رفتار نوع دوستانه زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت اساساً ناشی از نقش‌های جنسیتی است. نتایج نشان می‌دهد که در یاسوج رفتارهای نوع دوستانه، نه به جنسیت ارتباطی دارد و نه به نقش‌های جنسیتی مربوط بوده است.

¹ Pilivin and Charng

² Wilson

³ self-destructive

⁴ Bar-Tal

⁵ Secchi

⁶ Carter and Castillo

اعتماد اجتماعی

اهمیت اعتماد اجتماعی در علوم اجتماعی به گستردگی پذیرفته شده است. با معرفی و مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی (کلمن^۱، ۱۳۷۷) که یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را اعتماد تشکیل می‌دهد، توجه به این عنصر به صورت روزافزونی افزایش یافته است. از طرف دیگر، اعتماد اجتماعی اهمیت دارد، زیرا با بسیاری از متغیرهایی در ارتباط است که برای مردم مطلوب است. در سطح فردی، افرادی که معتقدند اکثر مردم قابل اعتمادند، احتمال بیشتری دارد که نسبت به آینده خوشبین‌تر باشند، مشارکت اجتماعی و سیاسی بیشتری داشته باشند، اعمال خیرخواهانه و دیگرخواهانه بیشتری انجام دهند، تحمل بیشتری در برابر اقلیت‌های قومی و مذهبی داشته باشند و امید بیشتری برای تغییر و بهبود زندگیشان داشته و در کل خوشبخت‌تر باشند. همین الگوی خوشبینانه در سطح اجتماعی هم مشاهده می‌شود. شهرها، نواحی و کشورهای که در آنها مردم بیشتر به هم اعتماد دارند، دموکراسی کاراتر، اقتصاد پویاتر و جرایم کمتری را تجربه می‌کنند. به همین علت است که اعتماد اجتماعی بخش مهمی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بعلاوه، اعتماد یک دلیل اصلی انسجام اجتماعی است. اعتماد، بخشی از وجدان و عدالت اجتماعی^۲ است؛ یعنی اعتماد به اینکه گروه‌های مختلف اجتماعی مشترکاً مطمئن هستند که کسانی که دارای منابع بیشتری هستند، به کسانی که منابع کمتری دارند رسیدگی می‌کنند. بنابراین، کسانی که اعتماد بیشتری به مردم دارند، اعمال خیرخواهانه بیشتری انجام داده، بیشتر داوطلب می‌شوند. آنها به فراست در می‌یابند که کمک کردن به نیازمندان به سادگی به معنای گرفتن از ثروتمندان و دادن به فقرا نیست، بلکه

باید سیاست‌هایی وجود داشته باشد که در کاهش نابرابری اثرگذار باشد. این سیاست‌ها از احساس ما درباره اعتماد اجتماعی و کمک به ایجاد جامعه‌ای با اعتماد بیشتر ریشه می‌گیرد (روتستین و اوسلانر^۳، ۱۹۹۹: ۲).

ارتباط میان مسئولیت پذیری اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتار دیگرخواهانه

روابط گرم اجتماعی از پایه‌ها و مبانی اساسی نظم اجتماعی است و در صورتی که این روابط به هر دلیلی به سردی گراید، به همان نسبت اعتماد اجتماعی، نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. هرچه در سطوح مختلف روابط اجتماعی نوع دوستی بیشتر باشد، به همان نسبت می‌توان پیش‌بینی کرد که محرومیت اجتماعی، یاس اجتماعی، استعمار و انفعال اجتماعی کاهش یابد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش توان همدلی و بالا بردن حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کم‌رنگ کردن محاسبات صرف مادی در روابط اجتماعی، می‌توان بی‌تفاوتی را کاهش و نوع دوستی را افزایش داد (کلانتیری و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۴). اعتماد یکی از مهمترین پیش‌بینی کننده‌های رفتار نوع دوستانه است و آن را افزایش می‌دهد، زیرا اعتماد در روابط ریسک را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، اعتماد برای ایجاد و بقای نظم اجتماعی لازم است (روتستین و اوسلانر، ۲۰۰۴).

رابطه اعتماد و دیگرخواهی دوطرفه است. در واقع، از آنجا که اعتماد پیش‌شرط عمده و کلیدی برای موجودیت جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسائل اجتماعی ضروری است، نسبت به رفتار دیگرخواهانه تقدم علی دارد. در جامعه مخاطره آمیز امروزی که

¹ Coleman

² social justice and conscience

³ Rothstein and Uslamer

همکاری و کمک از نظر آنها این است که افراد به دنبال انصاف هستند و از دیگران نیز انتظار دارند با انصاف باشند و رفتار مخالف آن را تنبیه می‌کنند (آلرلوف و کرانتون، ۲۰۱۰، به نقل از کریگر-بادن^۲، ۲۰۱۱). تحقیقات نشان داده است که بدترین مکان‌های دنیا از نظر اقتصادی و اجتماعی، جایی است که افراد چیزی جز منافع فردی خود را دنبال نکنند و احترام به انصاف و عدالت را سرکوب کنند. توسعه اقتصادی و رفاه جایی وجود دارد که احساس درونی همراه با ارزش‌هایی، مانند: دیگرخواهی، قابل اعتماد بودن، وظیفه‌شناسی و بازی عادلانه رشد کرده باشد (نک. باسو^۳، ۲۰۰۶: ۳۵-۳۴).

در مقاله حاضر سعی شده رابطه میان این سه متغیر بررسی شود. به این منظور مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته (اجتماعی) و رفتارهای دیگرخواهانه در میان نوجوانان بررسی شده است. مسئولیت‌پذیری یک پدیده رشدی است و با حمایت اجتماعی رفتارهای دیگرخواهانه را افزایش می‌دهد (مارویاما و دیگران^۴، ۱۹۸۲ و داسیلوا و دیگران^۵، ۲۰۰۴). قشر نوجوان به این دلیل مورد نظر بودند که پایه‌های مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی در حال شکل‌گیری در این سال‌ها بوده، می‌توان با توجه به نتایج تحقیق برنامه‌های اصلاحی را برای تقویت این دو متغیر در دستور کار قرار داد. بعلاوه، توجه به دوره نوجوانی می‌تواند پیش‌بینی‌هایی در مورد آینده با توجه به وضعیت امروز ارائه کند.

افراد در زندگی با خطرهای زیادی روبه‌رو هستند و پیشرفت تکنولوژی زندگی را بیش از پیش غیرقابل پیش‌بینی کرده، اعتماد باعث پیدایش و آرامش روانی می‌شود و برای حرکت موفقیت‌آمیز افراد ضرورت دارد. اعتماد رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌کند (قلی‌پور و پیران‌نژاد، ۱۳۸۷؛ قدیمی، ۱۳۸۶). با وجود سطحی از اعتماد اجتماعی است که افراد به فکر رفتارهای دیگرخواهانه و نوع‌دوستانه می‌افتند و شکوفایی فردی متضمن مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خواهد شد. این مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی راهی برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه می‌گشاید که می‌تواند در دراز مدت نابرابری را از بین برده، مفهوم مناسبی از جامعه شکوفا و عادلانه (توزیعی و رویه‌ای) ایجاد کند. اعتماد و دیگرخواهی چسب اخلاقی است که جامعه را به یکدیگر می‌چسباند (اوسلانر و براون، ۲۰۰۵؛ روتستین و اوسلانر، ۱۹۹۹؛ قلی‌پور و پیران‌نژاد، ۱۳۸۷، روتستین، ۲۰۰۵ و قدیمی، ۱۳۸۶). گرچه منفعت فردی را یکی از قویترین نیروهای محرک رفتاری انسان می‌دانند، اما آثار متعدد مثبت و سودمندی در دنبال کردن این منفعت همراه با مسئولیت‌پذیری وجود دارد که ابزار مؤثری برای بهروزی فردی و افزایش خیر عمومی است (پرلوف^۱، ۱۹۸۷). امروزه صاحب‌نظران نظریه انتخاب عقلانی نیز از چارچوب تنگ تعریف قدیمی عقلانیت خارج شده، همکاری بین فردی و گروهی را در نظر می‌گیرند. در دیدگاه‌های رفتارگرا نیز اعتقاد بر این است که کمک به دیگران بیش از همه مستلزم اعتماد است و لازمه اعتماد بنیادهای مشترک و اخلاقی است که جامعه را پایدار و پررونق نگه می‌دارد. ریشه

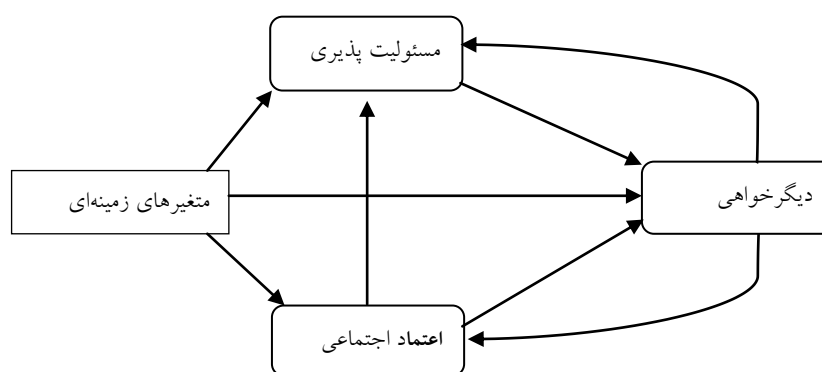
² Krieger-Boden

³ Basu

⁴ Maruyama *et al.*

⁵ Da Silva *et al.*

¹ Perloff



مدل نظری تحقیق

ابزار تحقیق

الف) مسئولیت پذیری: مرگلر و همکارانش (۲۰۰۷b) برای ساختن پرسشنامه ای که مسئولیت پذیری در نوجوانان را اندازه بگیرد، به بررسی سازه‌های مربوط و نزدیک به این مفهوم پرداخته و سازه‌هایی مانند کانون کنترل^۱، عاملیت فردی^۲، خودکارآمدی^۳، خودتنظیمی^۴ و هوش هیجانی^۵ را بررسی کرده‌اند و در نهایت، ابزاری ابزاری برای اندازه‌گیری این متغیر تهیه کرده و در تحقیق دیگری (۲۰۰۷a) آن را اعتباریابی کرده‌اند. لی^۶ و همکارانش (۲۰۰۸) نیز یک سنجه ۱۴ گویه‌ای برای مسئولیت پذیری در میان نوجوانان ساخته‌اند که با استفاده از تحلیل عاملی دو فاکتور، یکی برای مسئولیت پذیری فردی (با هفت گویه) و دیگری برای مسئولیت پذیری اجتماعی (هفت گویه) برای آن مشخص کرده‌اند.

در تحقیق حاضر با بررسی همه گویه‌های موجود در این سنجه‌ها، تعداد ۴۲ گویه برای مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی انتخاب و در پرسشنامه گنجانده شد. در نهایت، تعداد ۱۰ گویه برای

نمودار شماره ۱ نحوه ارتباط متغیرهای تحقیق را با هم نشان می‌دهد. اعتماد اجتماعی به‌عنوان زیربنایی‌ترین متغیر این تحقیق مسئولیت پذیری و رفتار دیگرخواهانه را تقویت می‌کند. مسئولیت پذیری و اعتماد اجتماعی به طور یکسان بین افراد تقسیم نشده‌اند و بسته به موقعیت‌های ساختاری و خصوصیات زمینه اجتماعی متفاوتند. از طرف دیگر، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی به انجام اعمال دیگرخواهانه منجر خواهد شد یا آن را افزایش خواهد داد. وقتی سطحی از رفتار دیگرخواهانه در جامعه رواج یافته، نهادینه شود، به صورت بازخوردی مسئولیت پذیری و اعتماد اجتماعی را افزایش خواهد داد. در این مقاله فرضیات زیر مد نظر قرار گرفته‌اند:

- ۱- مسئولیت پذیری با میزان اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد.
- ۲- مسئولیت پذیری با میزان انجام رفتارهای دیگرخواهانه رابطه مستقیم و معناداری دارد.
- ۳- میزان اعتماد اجتماعی با میزان انجام رفتارهای دیگرخواهانه رابطه مستقیم و معناداری دارد.
- ۴- متغیرهای زمینه‌ای و ساختاری (جنسیت، رشته تحصیلی، محل تولد، هزینه ماهانه و تحصیلات والدین) با مسئولیت پذیری، اعتماد اجتماعی و میزان انجام رفتارهای دیگرخواهانه رابطه دارد.

¹ locus of control
² personal agency
³ self efficacy
⁴ self regulation
⁵ emotional intelligence
⁶ Li

زاده، ۱۳۸۴) برخی دیگر از محققان نیز از سنجش‌های محقق ساخته بر اساس هدف تحقیق خود استفاده کرده‌اند (اکبری و دیگران، ۱۳۸۷؛ محسنی تبریزی و شیرعلی، ۱۳۸۸ و طالبی و دیگران، ۱۳۸۷). در این تحقیق اعتماد اجتماعی به دو صورت اول اندازه‌گیری شده است. به این منظور ۲۷ گویه در شاخص‌های صداقت، صراحت، سهمیم کردن، قابلیت اعتماد و رفتار مبتنی بر اعتماد به صورت طیف لیکرت طراحی شد و از طرف دیگر ۱۰ گروه از خویشاوندان و خانواده تا دولت و وزیران به پاسخگو ارائه شد تا میزان اعتماد خود را به آنها مشخص نمایند. برای سنجش اول پس از انجام تحلیل عاملی، عامل صراحت و صداقت با ۸ گویه با آلفای ۰/۷، عامل قابلیت اعتماد مردم با ۷ گویه و آلفای ۰/۶ و بالاخره رفتار مبتنی بر اعتماد با ۷ گویه و آلفای ۰/۶ به دست آمدند و ۵ گویه از این طیف حذف شدند. ضریب KMO برابر با ۰/۶۹ (Sig=۰/۰۰۰) به دست آمده است. مجموع نمره‌های شاخص‌ها، نمره کل اعتماد اجتماعی را می‌سازد.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق نوجوانان ۱۹-۱۵ سال ساکن در شیراز است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد افراد در این محدوده سنی ۲۰۸۴۸۶ نفر هستند. کل نمونه آماری در این تحقیق با توجه به جدول لین در سطح اطمینان ۹۵٪ و پایایی ۵ درصد تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. برای جلوگیری از ریزش نمونه، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه تکثیر و در اختیار پرسشگران قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای است. به این صورت که در ابتدا با استفاده از بلوک‌بندی مرکز آمار ایران از کل حوزه‌های مشخص شده در مناطق ۹ گانه شهرداری شیراز، تعداد نمونه به نسبت جمعیت هر

مسئولیت پذیری فردی با آلفای ۰/۷۱ و ۱۱ گویه برای مسئولیت پذیری اجتماعی با آلفای ۰/۷۲ برای تحلیل‌ها در نظر گرفته شدند.

ب) دیگر خواهی: برای سنجش دیگرخواهی، از مقیاس راشتون و دیگران^۱ (۱۹۸۱) استفاده شده است. این مقیاس دارای ۲۰ گویه است که دیگرخواهی را در موقعیت‌های مختلف اندازه می‌گیرد. یازده گویه از آنها که در بستر اجتماعی ایران قابلیت انجام داشت، برای اندازه‌گیری دیگرخواهی انتخاب شد. در این گویه‌ها فعالیت‌هایی که دیگرخواهانه محسوب می‌شوند (مانند نشان دادن آدرس، خون دادن، دادن نوبت در صف به یک نفر دیگر و ...) به پاسخگو ارائه شده و گزینه‌هایی به صورت هیچ‌وقت، یک بار، بیش از یک بار، معمولاً و خیلی زیاد به صورت طیف لیکرت پنج قسمتی (مانند مقیاس راشتون) برای آن در نظر گرفته شده است. نمره بالا در این طیف نشان دهنده بالاتر بودن میزان دیگرخواهی پاسخگو خواهد بود.

ج) اعتماد اجتماعی: جانسون معتقد است در یک رابطه مبتنی بر اعتماد عناصر صراحت، سهمیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد قابلیت اعتماد و اعتماد کننده بودن وجود دارد (قدیمی، ۱۳۸۶). در تحقیقات انجام شده در ایران، اعتماد اجتماعی به دو صورت اندازه‌گیری شده است: اول فهرستی از اقشار مختلف و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی به پاسخگو ارائه و از او خواسته شد که میزان اعتماد خود را به هر یک از آنها مشخص کند (گروسی و دیگران، ۱۳۸۷؛ طالبی و دیگران، ۱۳۸۷). روش دوم استفاده از مجموعه شاخص‌های جانسون بوده است (قدیمی، ۱۳۸۶؛ اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴؛ کامران و احمدیان، ۱۳۸۸) و برخی نیز از هر دو شاخص استفاده کرده‌اند (عباس

¹ Rushton et al.

حرفه ای و ۳/۱ درصد در رشته معارف تحصیل می کرده اند. ۱/۶ درصد از پاسخگویان در روستا، ۲۶/۸ درصد در شهرستان‌ها و ۷۱/۶ درصد از آنها در شیراز متولد شده بودند. این نوجوانان بین صفر تا هفتاد هزار تومان در هفته خرج می‌کردند. میانگین هزینه هفتگی پاسخگویان ۸۸۷۲/۱ تومان بوده است و در خانواده‌های بین ۳ تا ۱۰ نفره زندگی می‌کرده اند (میانگین بعد خانوار ۴/۸۳ نفر).

یافته‌ها

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که نمره مسئولیت فردی حداقل بین ۲۹ تا ۵۴ تغییر می‌کند و میانگین آن ۴۱/۵۵ محاسبه شده است. میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی بین ۲۰ تا ۵۳ تغییر می‌کند و میانگین آن ۴۰/۷۶ به دست آمده است. نمره اعتماد اجتماعی بین ۴۵ تا ۸۵ تغییر کرده و میانگین آن ۶۶/۹۱ محاسبه شده است. نمره دیگرخواهی بین ۱۵ تا ۵۱ تغییر کرده است. میانگین به دست آمده ۳۱/۴۲ است. میزان اعتماد به گروه‌ها بین ۱۰ تا ۵۰ تغییر کرده و میانگین آن ۳۱/۹۲ به دست آمده است.

منطقه مشخص شد و سپس حوزه‌هایی به تصادف انتخاب و در هر حوزه بلوک‌هایی بصورت تصادفی مشخص شدند. این بلوک بررسی شده و افراد واجد شرایط در این بلوک‌ها بصورت سیستماتیک انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل کردند. فاصله نمونه گیری در هر بلوک ۳ و انتخاب مبدا نمونه گیری در بلوک، تصادفی بوده است. در هر خانواده، در صورت وجود چند فرد واجد شرایط، فقط یک پرسشنامه تکمیل شده است. نمونه‌ها به صورت ۵۰ درصد دختر و ۵۰ درصد پسر انتخاب شدند. در نهایت، تعداد ۳۹۱ پرسشنامه برگشت داده و تحلیل شدند. ۴۹/۱ درصد از پاسخگویان را دختران و ۵۰/۹ درصد را پسران تشکیل داده اند. ۱۹/۶ درصد از پاسخگویان در کلاس اول دبیرستان، ۳۰/۲ درصد کلاس دوم، ۳۷/۴ درصد کلاس سوم و ۱۲/۹ درصد در سطح پیش دانشگاهی تحصیل می‌کردند. ۲/۸ درصد از پاسخگویان خود را در طبقه پایین، ۸۷/۳ درصد در طبقه متوسط و ۹/۵ درصد خود را جزو طبقه بالا می‌دانستند. ۱۴/۶ درصد از نوجوانان پاسخگو در رشته انسانی، ۲۰/۸ درصد در رشته تجربی، ۲۷/۳ درصد در رشته ریاضی، ۱۴/۹ درصد کار و دانش، ۱۹/۳ درصد در رشته‌های فنی

جدول ۱- توصیف متغیرهای مسئولیت‌پذیری، اعتماد و دیگر خواهی (درصد)

متغیر	کم	متوسط	زیاد
مسئولیت‌پذیری فردی	۱/۸٪	۵۰/۲٪	۴۸٪
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-	۴۳٪	۵۷٪
اعتماد اجتماعی	۲/۷٪	۹۵/۹٪	۱/۴٪
اعتماد به گروه‌ها	۱۲/۱٪	۷۶/۴٪	۱۱/۵٪
دیگر خواهی	۱۷/۳٪	۷۴/۲٪	۸/۵٪

داشته‌اند. نیمی از پاسخگویان در بعد فردی و ۴۳ درصد در بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری متوسط و بقیه در حد زیاد مسئولیت‌پذیر بوده‌اند. اکثر

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میزان مسئولیت‌پذیری پاسخگویان حداقل در سطح متوسط بوده و تنها ۱/۸ درصد مسئولیت‌پذیری فردی «کم»

معارف تحصیل می‌کنند، با دانش آموزان رشته تجربی و ریاضی تفاوت دارند. میانگین‌ها نشان می‌دهد که مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در میان دانش آموزان رشته معارف از دانش آموزان دو رشته دیگر کمتر است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد بین میزان مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و کل مسؤلیت‌پذیری و همچنین، اعتماد اجتماعی نوجوانانی که تحصیلات مادر آنها فوق دیپلم و لیسانس است، از کسانی که مادرانی با تحصیلات زیر دیپلم دارند، بیشتر است. اما در مسؤلیت‌پذیری فردی و دیگرخواهی نوجوانان با تحصیلات مختلف مادران تفاوت معناداری مشاهده نشده است. تحصیلات پدر با مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و دیگرخواهی رابطه معناداری نشان داده است. آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که در مورد دیگرخواهی تفاوت بین تحصیلات فوق دیپلم و دیپلم و در مورد مسؤلیت‌پذیری اجتماعی، تفاوت میان تحصیلات لیسانس و دیپلم معنادار شده است.

آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در میان کسانی که در مرکز استان یا شهرستان‌ها به دنیا آمده‌اند، کمتر از کسانی است که در روستا متولد شده‌اند، اما میزان مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در میان کسانی که در مرکز استان متولد شده‌اند از کسانی که در شهرستان به دنیا آمده‌اند، بیشتر است.

پاسخگویان (۹۵/۹ درصد) اعتماد اجتماعی متوسطی داشته‌اند، اما در بخش اعتماد گروهی ۱۱/۵ درصد اعتماد زیاد و ۱۲/۱ درصد اعتماد کمی به گروه‌های اجتماعی دارند و ۷۶/۴ درصد اعتماد متوسطی ابراز کرده‌اند. از میان گروه‌های ارائه شده افراد خانواده (۹۵ درصد اعتماد زیاد) با فاصله نسبت به بقیه گروه‌ها قرار گرفته است. در مورد دیگرخواهی ۱۷/۳ درصد فعالیت‌های دیگرخواهانه کمی انجام داده‌اند و ۸/۵ درصد در حد زیادی دیگرخواه بوده و اکثر پاسخگویان نمره متوسطی در این مورد کسب کرده‌اند. نتایج آزمون T مستقل نشان می‌دهد تفاوت جنسیتی در مسؤلیت‌پذیری فردی و کل مسؤلیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و دیگرخواهی وجود ندارد و این متغیرها بین دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد، اما در مسؤلیت‌پذیری اجتماعی دختران بالاترند ($T = 2/55$, $SigT = 0/01$) همچنین، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین سال‌های مختلف تحصیلی (که اثر سن را نشان می‌دهد) و این متغیرها مشاهده نشده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که رشته‌های مختلف تحصیلی در دیگرخواهی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی تفاوت معناداری داشته‌اند. آزمون‌های تعقیبی توکی این تفاوت گروهی را بین رشته‌های تحصیلی در مورد دیگرخواهی نشان نداده، اما در مورد مسؤلیت‌پذیری اجتماعی نوجوانانی که در رشته

جدول ۲- ضریب همبستگی بین مسؤلیت‌پذیری، اعتماد و دیگرخواهی

متغیر	اعتماد اجتماعی	دیگرخواهی	اعتماد به گروهها
مسؤلیت‌پذیری اجتماعی	۰/۳۰۴**	۰/۰۳۴	۰/۲۷۰**
مسؤلیت‌پذیری فردی	۰/۳۳۲**	۰/۲۰۴**	۰/۲۶۶**
مسؤلیت‌پذیری کل	۰/۱۰۴	۰/۱۵۵**	۰/۰۱۰

نداده است. اعتماد به گروه‌ها نیز با هر دو بعد مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی رابطه معناداری دارد. برای واضح تر شدن رابطه اعتماد اجتماعی و مسئولیت پذیری، همبستگی بین ابعاد اعتماد اجتماعی و مسئولیت پذیری نیز بررسی شده است.

دیگر خواهی با مسئولیت‌پذیری فردی و کل مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری نشان می‌دهد. در واقع، هرچه مسئولیت‌پذیری فرد بیشتر باشد، رفتار نوع دوستانه بیشتری انجام خواهد داد. اعتماد اجتماعی و اعتماد به گروه‌ها با هر دو نوع مسئولیت‌پذیری رابطه دارد، اما با نمره کل آنها رابطه‌ای نشان

جدول ۳- ضریب همبستگی بین مسئولیت‌پذیری، و ابعاد اعتماد اجتماعی

متغیر	صراحت و صداقت	قابلیت اعتماد	رفتار مبتنی بر اعتماد
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۴۸**	-۰/۰۱۸	۰/۱۴۴**
مسئولیت‌پذیری فردی	۰/۳۱۱**	-۰/۰۳۱	۰/۲۱۶**
مسئولیت‌پذیری کل	-۰/۱۳۵**	-۰/۰۳۸	۰/۲۵۷**

همراه است، اما هر چه مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی بیشتر باشد، افراد رفتارهای مبتنی بر اعتماد، مانند سهم کردن دیگران در دانش و وسایل خود را بیشتر انجام می‌دهند. مسئولیت‌پذیری با نگرش نسبت به قابل اعتماد بودن مردم ارتباطی نداشته است.

نتایج نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری با ابعاد صداقت و صراحت و رفتار مبتنی بر اعتماد رابطه معناداری دارد. علامت ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که صراحت و صداقت با مسئولیت‌پذیری فردی بیشتر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتری

جدول ۴- ضریب همبستگی بین اعتماد اجتماعی و دیگر خواهی

متغیر	دیگر خواهی	اعتماد به گروه‌ها
اعتماد اجتماعی	۰/۲۴۴**	۰/۴۴۷**

رفتارهای دیگر خواهانه بیشتری از خود نشان می‌دهند و اعتماد بیشتری نیز به گروه‌های اجتماعی ابراز می‌کنند.

اعتماد اجتماعی هم با دیگر خواهی و هم با اعتماد به گروه‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد. در واقع، نوجوانانی که اعتماد اجتماعی بیشتری دارند،

جدول ۵- ضریب همبستگی بین دیگر خواهی و ابعاد اعتماد اجتماعی

متغیر	صداقت و صراحت	قابلیت اعتماد	رفتار مبتنی بر اعتماد
دیگر خواهی	۰/۱۴۴**	۰/۰۶۴	۰/۱۴۶**

دیگرخواهی با صراحت، صداقت و صراحت و رفتار مبتنی بر اعتماد رابطه معناداری نشان داده است. در واقع، کسانی که دیگرخواه ترند اطلاعات و وسایل خود را بیشتر با دیگران سهیم می‌شوند و در روابط اجتماعی خود صراحت بیشتری دارند و معتقدند که بقیه هم در روابط خود صداقت را رعایت می‌کنند. مثبت بودن رابطه دیگرخواهی و صداقت نشان می‌دهد خوش بینی و اطمینان به اینکه دیگران نیز صداقت را رعایت می‌کنند، می‌تواند به رفتار دیگرخواهانه کمک کند. رابطه میان صراحت و صداقت و دیگرخواهی با کنترل مسؤلیت پذیری نیز بررسی شد. نتایج نشان می‌دهند که با کنترل مسؤلیت پذیری اجتماعی، نه تنها رابطه صداقت و صراحت با دیگرخواهی مثبت و معنادار باقی می‌ماند، بلکه شدت رابطه از ۰/۱۴ به ۰/۱۶ ارتقا پیدا می‌کند. این امر نشان می‌دهد که اهمیت رواج صداقت در میان مردم چقدر در رواج رفتارهای دیگرخواهانه اهمیت دارد.

نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نوجوانان از حداقلی از مسؤلیت پذیری فردی و اجتماعی برخوردار بوده، میزان متوسطی از اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهند. اکثر پاسخگویان در حد متوسطی نیز رفتارهای دیگرخواهانه انجام می‌دهند. درحالی‌که مسؤلیت پذیری فردی در میان نوجوانان ارتباطی به جنسیت و پایه تحصیلی نداشته، اما دختران در مسؤلیت پذیری اجتماعی قدری بالاتر هستند. این نتیجه، همسو با نتیجه به دست آمده توسط منزیس و دیگران (۲۰۰۵) بوده است. اصولاً مسؤلیت‌پذیری فردی و اجتماعی در نوجوانان در حال به دست آمدن است و هنوز تفاوت‌های نقشی و جنسیتی زیاد خود را نشان نداده‌اند. میزان تحصیلات مادر با مسؤلیت‌پذیری و

اعتماد اجتماعی رابطه دارد و کسانی که مادران تحصیلکرده (فوق دیپلم و لیسانس) دارند، بیشتر از کسانی که مادرشان دیپلم نگرفته، احساس مسؤلیت و اعتماد اجتماعی می‌کنند. تحصیلات پدر با هر دو نوع مسؤلیت‌پذیری و دیگرخواهی رابطه نشان داده است. احساس مسؤلیت اجتماعی کسانی که در رشته معارف تحصیل می‌کنند، کمتر از کسانی است که در رشته‌های ریاضی و تجربی تحصیل می‌کنند. مسؤلیت‌پذیری فردی ریشه روان‌شناختی بیشتری داشته، با مفاهیمی مانند کانون کنترل و احساس خودکارآمدی رابطه نزدیکی دارد. به همین دلیل، با محل تولد فرد رابطه‌ای نشان نداده است. احتمالاً این متغیر با سبک‌های تربیتی و سبک دلبستگی باید رابطه نشان دهد که اندازه‌گیری آنها جزو این تحقیق نبوده است. اما مسؤلیت‌پذیری اجتماعی موردی است که در محیط‌هایی که مفاهیم و ارزش‌های مدرن بیشتری نهادینه شده‌اند، بیشتر دیده می‌شود. نتایج تحقیق نیز این امر را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که کسانی که در مرکز استان (شیراز) متولد شده‌اند، احساس مسؤلیت اجتماعی بیشتری می‌کنند. تاثیر محل تولد و تحصیلات والدین بر این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چه محیط زندگی افراد در این زمینه قویتر باشد، این مفاهیم و عادت‌ها بیشتر به وجود می‌آید. بعلاوه، می‌توان نتیجه گرفت که این متغیر دارای یک فرایند رشدی و مبتنی بر یادگیری است، بنابراین جامعه‌پذیری بر آن تأثیر می‌کند.

احساس مسؤلیت‌پذیری فردی با اعتماد اجتماعی و دیگرخواهی رابطه معناداری نشان داده است. در واقع، هرچه نوجوان بیشتر خود را برای کارها و وضعیت خود مسؤول بداند، توانایی کنترل احساسات خود را داشته باشد و برای آینده خود هدف داشته و برای رسیدن به آن تلاش کند رفتارهای دیگرخواهانه

اهمیت کیفیت روابط اجتماعی و محتوای قابل اعتماد این روابط را در رشد مسئولیت پذیری برای نوجوانان نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد برنامه عملی هلیسون برای افزایش مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی با استفاده از همین واقعیت طراحی شده و نوعی گروه درمانی و استفاده از مشارکت گروهی برای ارتقای مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی است.

انجام عمل خیرخواهانه و دیگرخواهانه گرچه به گواهی بسیاری از تحقیقات گذشته ریشه در طبیعت انسان داشته، انسانها نیاز دارند و رای محاسبات عقلانی و به هزینه خود گاهی رفتارهای دیگرخواهانه‌ای انجام دهند (پیلیوین و چارنگ، ۱۹۹۰؛ بنابو و تیرو، ۲۰۰۵، لاسترا و ماسیس، ۲۰۰۸؛ جیتیس و همکاران، ۲۰۰۳؛ وارنکن و تاماسلو، ۲۰۰۹)، اما رواج آن به حداقل سطحی از اعتماد اجتماعی نیاز دارد که نتایج به دست آمده آن را تأیید می‌کند. این رابطه با ابعاد صراحت و صداقت و رفتار مبتنی بر اعتماد مشاهده شده است. در واقع، کسانی که دیگرخواه‌ترند، در بیان احساسات و نظرهای خود صراحت بیشتری داشته، اطلاعات و وسایل خود را بیشتر به اشتراک می‌گذارند. صراحت بیشتر در روابط اجتماعی شاید از نظر فرهنگ عمومی مطلوب نباشد. بیشتر مردم دوست دارند دیگران از ایشان تعریف کرده، اشتباهات و مشکلات رفتاری‌شان را در نظر نگیرند، اما نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد کسانی که دیگرخواه‌ترند، معمولاً صراحت بیشتری در روابط اجتماعی دارند. شاید بتوان صراحت بیشتر در روابط اجتماعی را نوعی دیگرخواهی اخلاقی دانست. نکته جالب در مورد رابطه دیگرخواهی با اعتماد اجتماعی این است که دیگرخواهی با میزان قابل اعتماد دیدن مردم رابطه‌ای نشان نداده است. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که در انجام عمل دیگرخواهانه فرد به نیاز موجود توجه بیشتر می‌کند تا

هم بیشتر انجام داده، بیشتر احساس می‌کند مردم قابل اعتماد بوده، می‌توان به آنها تکیه کرد و از طرف دیگر اطلاعات و وسایل خود را با دیگران بیشتر به اشتراک می‌گذارد (جداول ۳ و ۴) که خود نوعی عمل دیگرخواهانه است. مسئولیت پذیری فردی با رفتارهای ناشی از اعتماد نیز رابطه معناداری نشان داده است بنابراین، می‌توان گفت نوجوانانی مسئولیت پذیرتر شده اند که از حداقلی از اعتماد در محیط زندگی خود برخوردار بوده‌اند؛ مثلاً کسانی را داشته‌اند که بتوانند به آنها اعتماد کنند و هر وقت که نیازی داشته باشند، به راحتی با آنها در میان بگذارند. از طرف دیگر، نوجوانانی که بیشتر در برابر خودشان، جامعه، سرنوشت کشور، اتفاقات محلی و جهانی و محیط زیست احساس مسئولیت می‌کند، اطلاعات و وسایل خود را با دیگران سهیم می‌شوند، اما بیشتر معتقدند که مردم صداقت کمی دارند و ظاهر و باطنشان یکسان نیست. این افراد چون احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنند، به مسائل منطقه‌ای، ملی و جهانی توجه بیشتری دارند و نیاز به همکاری با دیگران را احساس کرده، برای همکاری و مشارکت، صداقت را ضروری می‌دانند. به همین دلیل است که نوجوانانی که سودای مشارکت در سر دارند، در مورد رواج صداقت در بین مردم نظر دارند و البته، در این مورد نظر آنها زیاد مثبت نیست و معتقدند که مردم زیاد در روابط اجتماعی صادق نبوده، ظاهر و باطنشان با هم یکی نیست. از طرف دیگر، کسانی که رفتار مبتنی بر اعتماد از خود نشان داده‌اند مسئولیت فردی و اجتماعی بالاتری داشته‌اند. در واقع، نوجوانانی که در محیط اجتماعی خود کسانی را داشته‌اند که به آنها اعتماد کرده، روابط مناسبی برقرار کنند و مسائل خود را با آنها در میان گذاشته، به مبادله اطلاعات و وسایل بپردازند، افراد مسئولیت پذیرتری بوده‌اند. این نتیجه

خصلت‌های فردی، چون با اراده کمک و بدون انتظار پاداش عمل می‌کند، بنابراین، اهمیتی ندارد که افراد یا گروه نیازمند کمک، خود به تنهایی قابل اعتماد و صادق هستند یا خیر.

دیگرخواهی و رفتار نوع‌دوستانه برای جامعه مدرن بسیار اهمیت دارد، اما محققان به این موضوع اهمیت زیادی نداده‌اند و تحقیقات در مورد دیگرخواهی و متغیرهای مرتبط با آن کم است. با توجه به ارتباط دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی و همچنین، اعتماد به گروه‌های اجتماعی به نظر می‌رسد در بررسی پیامدهای اعتماد می‌توان بر این نوع رفتار که اهمیت زیادی در بهروزی و احساس آرامش روانی، بخصوص در شرایط سخت اجتماعی دارد، تکیه کرد. بعلاوه، از آنجا که دیگرخواهی در صورت رواج یافتن، اعتماد اجتماعی را نیز تقویت می‌کند، می‌توان به عنوان یک وسیله افزایش اعتماد اجتماعی به آن نگاه کرد.

مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی متغیر بسیار مهمی در ایجاد موفقیت فردی و احساس خودکارآمدی است و ارتباط معناداری با اعتماد و دیگرخواهی دارد. در واقع، احساس مسئولیت فردی یک پایه روان‌شناختی برای موفقیت و رفتار دیگرخواهانه و سهیم کردن دیگران در منابع، محسوب می‌شود. از آنجا که می‌توان مسئولیت‌پذیری را در دوره نوجوانی ایجاد کرد و ارتقا داد، باید مسئولان آموزشی جامعه به این مهم توجه بیشتری داشته باشند. متخصصان کشورهای دیگر از محل ورزش برای ارتقای مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی استفاده کرده، نوجوانان مشکل‌دار را به آغوش جامعه برمی‌گردانند. با توجه به سرمایه‌گذاری کشور روی ورزش و مسائل فرهنگی در سال‌های اخیر، می‌توان بخشی از منابع را به اجرای این

برنامه‌ها تخصیص داد. استفاده از این منابع برای افزایش مسئولیت‌پذیری می‌تواند نه تنها رفتار دیگرخواهانه (که موضوع این تحقیق است) را افزایش دهد، بلکه در سطح کلان جامعه جرایم را (حداقل بخشی که تحت تاثیر این متغیر است) کاهش دهد و هزینه‌های برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را با افزایش اعتماد و در نتیجه سطح سرمایه اجتماعی موجود در جامعه کمتر کند. به گواهی تحقیقات، سرمایه اجتماعی در ایران در سطح پایینی قرار داشته (نک. موسوی، ۱۳۸۶؛ سعادت، ۱۳۸۷؛ سیاهپوش، ۱۳۸۷؛ باستانی و دیگران ۱۳۸۷) و در طول نسل‌ها دچار فرسایش شده است (سروش، ۱۳۹۰). کمک به رواج رفتارهای دیگرخواهانه می‌تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی نیز کمک کند و از این طریق برکات مضاعفی برای جامعه ایرانی فراهم کند، زیرا افراد جامعه با احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اعتماد و سرمایه اجتماعی خود، همه بار را به دوش مسئولان رسمی کشور نخواهند انداخت و با همکاری با یکدیگر برای حل مشکلات خواهند کوشید.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده

با توجه به بنیادهای اخلاقی مسئولیت‌پذیری و صبغه دینی جامعه ایرانی، پیشنهاد می‌شود درباره رابطه دینداری و مسئولیت‌پذیری، بخصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی تحقیقاتی انجام شود تا در صورت امکان بتوان راهکارهایی با استفاده از پتانسیل‌های موجود مذهبی برای افزایش مسئولیت‌پذیری ارائه کرد. بعلاوه، اگر تحقیقاتی به روش آزمایشی و مداخله‌ای انجام شود، می‌توان مشخص کرد که چه مؤلفه‌هایی در مدل هلیسون باید بومی‌سازی شوند تا برای افزایش مسئولیت‌پذیری در نوجوانان در

تحقیقات اقتصادی، سال ۴۳، ش ۸۳، ص ۴۱-۵۶.
 ۸ - سیاهپوش، امیر. (۱۳۸۷). «فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران»، راهبرد فرهنگ، سال اول، ش ۲، صص. ۹۹-۱۲۴.

۹ - طالبی، ابوتراب؛ حیدری، سیامک؛ فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۷). «عوامل موثر در اعتماد سیاسی، پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۷۹-۲۰۸.

۱۰ عباس زاده، محمد. (۱۳۸۴). «عوامل موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۲۶۷-۲۹۱.

۱۱ قدیمی، مهدی. (۱۳۸۶). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۳، صص ۳۲۵-۳۵۶.

۱۲ قلی پور، آرین و پیران نژاد، علی. (۱۳۸۷). «ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی: تبیین نقش دولت الکترونیک»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۵۶) صص ۲۱۹-۲۵۶.

۱۳ کامران، فریدون و احمدیان، اسلام. (۱۳۸۸). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام»، پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۰-۱۹.

۱۴ محسنی تبریزی، علیرضا و شیرعلی، اسماعیل. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۵۲، صص. ۱۵۱-۱۷۶.

۱۵ -کلانتری، صمد، ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول و احمدی، سیروس. (۱۳۸۶). «بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل موثر بر آن»،

ایران با توجه به زمینه فرهنگی و سنتهای مدرسه‌ای متفاوت کاربرد عملی داشته باشند.

منابع

۱ - اجاقلو، سجاد و زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۴). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، صص. ۹۲-۱۲۵.

۲ - احمدی، سیروس. (۱۳۸۸). «تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای نوع دوستانه»، جامعه شناسی کاربردی، ج ۲۰، شماره سوم، پیاپی ۳۵، صص ۲۳-۳۶.

۳ - اکبری، محمد؛ گلپور، محسن و کامکار، منوچهر. (۱۳۸۷). «رابطه بین اعتماد بین فردی، خودکارآمدی، پابندی مذهبی و بخشش با باورهای دنیای عادلانه توزیعی و رویه‌ای»، دانش و پژوهش در روانشناسی، ش ۳۵ و ۳۶، صص ۵۳-۸۰.

۴ - باستانی، سوسن و صالحی هیکوبی، مریم. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، صص ۶۳-۹۵.

۵ - سبحانی نژاد، مهدی و فردانش، هاشم. (۱۳۷۹). «مسئولیت پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی مدارس ابتدایی ایران»، مدرس، دوره ۴، ش ۱، صص ۹۵-۱۱۴.

۶ - سروش، مریم. (۱۳۹۰). مقایسه بین نسلی سرمایه‌ها و فرصت‌های زندگی زنان و بازنمایی آنها در سبک زندگی، نمونه مورد مطالعه زنان ۲۵ الی ۳۹ سال شیراز و استهبان، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.

۷ - سعادت، رحمان. (۱۳۸۷). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران، با استفاده از روش فازی»،

- Efficacy for Adolescents at Risk of Dropping-out of School” *the Spanish Journal of Psychology*, Vol.13, No.2, p:667-676.
- 25-Gintis H.; Bowles S. Boyd R. and Fehr E. (2003) “Explaining Altruistic Behavior in Humans”, *Evolution and Human Behavior*, Vol.24, p: 153-172.
- 26-Krieger-Boden Ch. (2011) “Ethics, Trust and Altruism in Society, Politics and Business”, Global Economics Symposium 2011, Available in (17/12/2011) www.global-economic-symposium.org/solutions/the-global-society/ethics-and-trust-in-society-and-business
- 27-Lacetera N. and Macis M. (2008) “Motivating Altruism: A Field Study”, Discussion Paper No. 3770, in the *institute for study of Labor (IZA)*, Germany.
- 28-Lasater L., Robinson K. D., Willis T., Meyer C. L., Jahus N. R., Bush L., Beckett J. A., Bruck D. C. and Duffey K. R. (2003) “Using Social Responsibility Training (SRT) to Support Youth School Success”, Research report in Character Development Systems, Available in www.CharacterDevelopmentSystems.com/pubs/research_report.pdf
- 29-Li W., Wright P. M., Rukavina P. B. and Pickering M. (2008) “Measuring Students’ Perceptions of Personal and Social Responsibility and the Relationship to Intrinsic Motivation in Urban Physical Education”, *Journal of Teaching in Physical Education*, Vol.27, p: 167-178.
- 30-Lyons E. M. (2005) “*The Effects of a Leadership and Diversity Awareness Program on Adolescents’ Attitudes and Behaviors*”, PHD Dissertation, university of south florida.
- دانشور رفتار، سال چهاردهم، ش ۲۲، صص ۲۷-۳۵.
- ۱۶- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۷- گروسی، سعیده؛ میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان. (۱۳۸۶). « بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۷-۳۹.
- ۱۸- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۳، صص ۶۷-۹۲.
- 19-Benabou R. and Tirole J. (2005) “Incentives and Prosocial Behavior”, Discussion Paper No.1695, in the *institute for study of Labor (IZA)*, Germany.
- 20-Basu K. (2006) “Identity, Trust and Altruism, Sociological Clues to Economic Development”, Available (17/12/2011) in <http://economics.cornell.edu/cae/06.05.pdf>
- 21-Carter M. R. and Castillo M. (2003) “The Economic Impacts of Trust and Altruism: An Experimental Approach to Social Capital”, Available in elsa.berkeley.edu/users/webfac/bardhan/e271_spo3/carter.pdf
- 22-Coleman J. S. (1988) “Social Capital in the Creation of Human Capital” *The American Journal of Sociology*, Vol.94, P: s95- S120.
- 23-Da Silva L.; Sanson A.; Smart D. and Taumbourau J. (2004) “Civic Responsibility among Australian Adolescents: Testing Two Competing Models”, *Journal of Community Psychology*, Vol.32, No.3, P:229-225.
- 24-Escarti A., Gutierrez M., Pascual C. and Marin D. (2010) “Application of Hellison’s Teaching Personal and Social Responsibility Model in Physical Education to Improve self-

- Research”, *Annual Review of Sociology*, vol.16, p: 27-65.
- 40-Rothstein B. and Uslaner E. M. (1999), “All for All: Equality and Social Trust” Working Paper No. 117, *Center for European Studies*.
- 41-Rushton J. P.; ChrisJohn R. D. and Fokken G. C. (1981) “ The Altruistic Personality and the Self Report Altruism Scale”, *Personality and Individual Differences*, Vol.2, p: 248-302.
- 42-Secchi D. (2007) “Theory of Dcile Society: A Role of Altruism in Human Behavior” , *Journal of Academy of Business and Economics*, Vol. VII, No. 2, p: 146-160.
- 43-Uslaner E. M. and Brown M. (2005) “Inequality, Trust and Civic Engagment”, *American Politics Research*, Vol.33, No.6, p: 868-894.
- 44-Warneken F. and Tomasello M. (2009) “The Roots of Human Altruism”, *British Journal of Psychology*, Vol. 100, P: 455-471.
- 45-Zimmerman B. J. and Kitsantas A. (2005) “Homework Practices and Academic Achivement: The Mediating Role of Self-Efficacy and Perceived Responsibility Beliefs”, *Contemporary Educational Psychology*, Vol. 30, p: 397-417.
- 31-Martinek T.,Schilling T. and Johenson D. (2001) “Transferins Personal and Social Responsibility of Underserved Youth ti the Classroom”, *The Urban Review*, Vol.33, No.1, pp: 29-45.
- 32-Maruyama, G.; Fraser S. C. and Miller N. (1982) “Personal Responsibility and Altruism in Children” *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.42, No.4, p:658-664.
- 33-Menzies R. G., Harris L. M.,Cumming S. and Einstein D. A. (2000). “The Relationship Between Inflated Personal Responsibility and Exaggerated Danger Expectancies in Obsessive -Compulsive Concerns”, *Behaviour Research and Theory* ,Vol.38, p:1029-1037.
- 34-Mergler A., Spencer F. M. and Patton W. A. (2007a) “Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Inteligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults”, *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, Vol.24, No.1, p: 5-18.
- 35-Mergler A., Spencer F. M. and Patton W. A. (2007b) “Development of a Measure of Personal Responsibility for Adolescents” , Available in <http://eprints.qut.edu.au/>
- 36-Mergler A., Spencer F. M. and Patton W. A. (2008) “ Personal Responsibility : The Creation, Implementation and Evaluation of a School-Based Program”, *Journal of Student Well-beeing*, Vol.2, No.1, pp: 35-51.
- 37-Naturally Selected Tendencies”, *Evolution and Human Behavier*, Vol.24, P: 118-125.
- 38-Perloff R. (1987) “Self-interest and Personal Responsivility Redux”, *American Psychologist*, Vol.42, No.1, p:3-11.
- 39-Pilivin J. A. and Charng H. W. (1990) “Altruism: A Review of Recent Theory and